

در صفحه ۱۲ بخوانید...
قلم | برش های از کتاب «قرآن و نمونان فرهنگی»
مشکلات زنان سرپرست خانوار و هم افزایی سازمان های دولتی
...

یادداشتی از ایوب آخانی، کارگردان
«تقعد» یا «تخصیص» مسأله این است
 تأمین استاد شایسته و صلاحیت علمی برای حضور در دانشگاه اولین چیزی است که فقهایی آکادمیک هنر در این کشور نیاز دارد. منظور استانی هستند که بدون وابستگی های دولتی تدریس می کنند.



یادداشتی از علی اکبر ایدر شیدی، نویسنده و مترجم
رواج و وقف، سرمایه ای برای بچه های ایران
 زمانی که سخن از توسعه یا توسعه میانه افتد در میان است، ناخودآگاه ویژگی هایی به ذهنمان ظهور می کند که روابط مردم با سرمد و ملت و دولت را به تصویر می کشد. روابطی که میان مردم به صورت مستمر و دائمی رواج دارد...



در صفحه ۱ | بخوانید...

گزارش

هوای سرد در گل های ناممکن

گزارشی از مجتمعات خدمات توانبخشی امام علی (ع)

از درون

دانشگاهی که شاید تکامل دهد

معلمی در کما!

چندسال از مملسم ام می گذشت و بی خانگی و اجاره های سرسام آور پایان ماه دراز کردن دست خواهش پیش دیگران به هر دلیلی شرمسار می کرد فشارهای پیش گفته از سویی و همسختی و همسختی با فرهنگیان ریشخندهای همسختی آنها سر تلاشی های بی سز و چشمانداز است از دیگر سو، آهسته آهسته از تلاش های کاست و از من معلمی حرف های ساخت.

خلق زیبایی برای دیگران

روایت های شهروندان از یک نوع دوستی ساده

چهار

از تظاهر متنفرم

مرغیبه شرفی دستواره | دانشجوی علوم پزشکی

یکی از آسیب های اصلی برنامه های تولیدی صدا و سیما این است که در برخی اوقات به میان مردم رفته و از آنها نظر خواهی می کند. در تمام این مصاحبه های رسمی، افراد از خصلت های خوب خود گفته و خصایص اخلاقی دیگران را مورد تقدیر قرار می دهند، به عنوان نمونه، اگر برنامه ای درباره مفردات دروغویی تولید شود، تمام مصاحبه شونده ها می گویند، ما هرگز دروغ نگفتیم، یاد را به یاد نتخابات همه سخن از حضور رسانه ای تظاهر به خوبی می نامیم و آن متنفرم.

دو

خوراکی برای کودکان کار

نگار مجتهد ۲۶ ساله | مدرسه زبان انگلیسی

وسایل حمل و نقل عمومی به بزرگترها و کسانی هستند، باین که به پر مهرها و بی پوزن ها کمک می کنیم تا از خیابان عبور کنند. کار دیگری که بسیار دوستش دارم، کمک به کودکان کار است. البته به آنها پول نمی دهم یا چیزی از آنها نمی خرم چون هر پولی که در پیروند آخر شب باید تحویل صاحب کارشان دهند. من برای آنها خوراکی می خریدم، میوه، شیرینی یا کسی آجیل بخاطر این که می خایم آنها تغذیه درست و مناسبی ندارند باین که می تواند کمی از زنجیرهای زندگی شان کم کند.

روایتی

چرا پریشی از مردم؟

طرح نو | ترویج فرهنگ نوع دوستی

این یکی از محورهای اصلی کار صفحات «طرح نو» در روزنامه شهرزاد بوده و هست. به این سبب بود که بخش پرورنده - صفحات ۹ و ۱۰ - امروز طرح نو را روایت های شهروندی در این باره اختصاص دادیم.

«مردم چه می گویند؟» این پرسشی اساسی و البته همیشه مغفول است. این پرسش را می توان به تمام وجوه زیست اجتماعی نسری داد و مطرح کرد اما خوب می دانیم که چقدر مغفول مانده است. ما البته در حدود مقدرات و ملامت های ما به طبع این پرسش پرداخته می پردازیم اما جا دارد گستره مقدرات هم - از سیاستمدار و مسئول و رسانه و پاسخ های آنها را می خوانید.

بش

هوای بزرگترها را دارم

فاطمه میرحسینی ۳۵ ساله | خانه دار

من خلدنار هستم و خیلی با محیط بیرون از خانه در ارتباط نیستم ولی در چارچوب خانه و خانواده و اقوام نزدیک هم کار می کنم. برای راحتی و آسایش و خوشحال کردنشان انجام می دهم. فکر می کنم اگر هوای بزرگترها را داشته باشم هم به طریقی اقدام به بروز نوع دوستی کردیم. شصتا در کوچه و خیابان هم هر کاری در دستم بیاورد برای افرادی که

سه

امروز هوس چی کردی؟

هانیه ۲۱ ساله | دانشجوی کامپیوتر

صرفاً کمک به او بسیاری از حمل بار، بعضی وقتها باید دستی در دل بزرگترها داشته باشیم. موارد زیادی از این کارهای کوچک هست که هر کسی می تواند هوای هموعش را داشته باشد. برای مثال وقتی کسی در تاکسی از من درخواست می کند بگذارم در صندوق جلونشینم، خواهش او را رد نمی کنم. به نظرم حسی همین هم خودش می تواند نوعی نوع دوستی باشد. جوانی محل دانشگاهم پرسر بچه ای هست که جراب می فرودش هر روز نزدیک می روم و می پرسم امروز هوس چی کردی؟ او هم جواب می دهد و می خوراکم داخلش را برایش تهیه می کنم. اعتقاد دارم به هر که از هر دست بدی از همان دست هم می گیری.

یک

نوع دوست ترین هموعان ما

مرغیبه شرفی ۲۷ ساله | نویسنده و مترجم

اگر خودستایانه نباشد، تا به حال خیلی کارها کرده ام که می شود استسخر را در نوع دوستی گذاشت. اگر بخوام تأثیر بعضی آموزه های آکادمیک زیست شناسی را در نگاهم بکنم، هر بار زباله های در پارک، کوچه و محله را - پیش چشم های منجمد بعضی هموعان و ایستاده های تمشتر منوعه ای دیگر - جمع کرده و این یعنی، من نوع دوست بودم. اگر بخوام قضیه روشنفکرانه تر جلوه کرد، هر بار کتاب خوبی هدیه داده ام یا کتاب خوبی خوانده ام. این هم یعنی، من نوع دوست بودم.

اگر بخوام مفهوم مستقیمتری را که بافلام به ذهن خیلی ها می رسد در نظر بگیرم، هر وقت مشارکت داده ام تا کسی درمان نشود یا لباس بهتری بپوشد یا از پرسف محکومتری بخوابد، نوع دوست بودم. اگر بخوام زیست فسانا مدنی و ما هستند، در همه جا.

شش

اهدای مو به بچه های سرطانی

امیربخش ۴۰ ساله | دانشجوی رشته ریاضیات

نوع دوستی در زندگی امروز یعنی یک آدم فیض جیح را به درمان با هر کار خیر دیگری ببخشد. با کار هزاران موسسه ای که افراد خیر برای بیماران سرطانی می دهند بدون چشمداشت در آنجا خدمت می کنند. مصداق های نوع دوستی خیلی زیاد است. کارهایی چنان بزرگ انجام می شود که من دیگر نمی توانم بگیرم چه تجربه ای از نوع دوستی دارم. کارهای کوچک روزمره زندگی هر کسی می تواند معنی نوع دوستی باشد. ولی کارهای از نوع دوستی هم می توان انجام داد. من کسی را ساعد دارم که موهایش را به بچه های سرطانی هدیه داد تا برای شان کلاه گیس درست کنند. نمونه های از این دست خیلی زیاد است.

